

مرمت اشیای تاریخی؛ خنجرهای ۵ هزار ساله در کرمان مرمت می شود

گروه جامعه: تا پایان سال جاری ۶۰ قلم شی و دو خنجر تاریخی با قدمت بیش از ۵ هزار سال در کرمان مرمت می شوند.

به گفته معاون میراث فرهنگی استان کرمان، این تعداد قلم شی تاریخی سفالهایی هستند که در کاوش های علمی و حفاری های غیرمجاز به دست آمده است. مجتبی شفیی گفت که تعدادی از این سفال ها دست ساز و تعدادی هم چرخ ساز بوده و دارای ارزش تاریخی بالایی هستند. به گزارش روابط عمومی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان، وی ادامه داد: «اشیای تاریخی قبل از مرمت و بعد از مرمت در سامانه جام ثبت می شوند که تاکنون این اتفاق برای تمامی اشیای تاریخی مرمت شده انجام شده است». شفیی گفت: «اشیای تاریخی و فرهنگی پس از انجام مطالعه و ساماندهی (مستندنگاری، عکسبرداری، تهیه شناسنامه و مرمت) در سامانه جام به ثبت می رسند». شفیی از تجهیز کارگاه مرمت کاغذ و اسناد تاریخی خبر داد و خاطرنشان کرد: «این کارگاه با حضور متخصصان کشوری راه اندازی شده و تمامی مراحل مرمت اسناد تاریخی با نظر این متخصصان انجام می گیرد».

با حضور پیشکسوتان؛

بافت گلیم تاس رفسنجان پس از ۵۰ سال احیا می شود

گروه جامعه: رئیس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی شهرستان رفسنجان با اشاره به احیای بافت گلیم تاس در این شهرستان گفت: «تاس یکی از نقش های مهم در بافت گلیم است که گلیم رفسنجان به این اسم نام گذاری شده است».

حسن حسینی اظهار کرد: «در گذشته گلیم تاس در شهرها و روستاهای مختلف رفسنجان و اناز بافته می شد که به دلیل ورود فرش های ماشینی و ارزان تر بودن این محصولات، بافت این نوع گلیم به مدت ۵۰ سال به فراموشی سپرده شد». وی ادامه داد: «در حال حاضر پیشکسوتان بخش کشکویه به ۵۰ هنرجو آموزش گلیم بافی می دهند». به گزارش روابط عمومی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان، حسینی افزود: «با توجه به حضور پیشکسوتان این رشته هنری و هنرجویانی که علاقه مند به بافت دوباره این هنر هستند بر آن شدیم که این هنر را باز زنده سازی و احیا کنیم». وی با اشاره به آموزش این هنر ارزشمند در بخش کشکویه و روستاهای تقی آباد، شریف آباد و بهجت آباد، بیان کرد: «برنامه داریم بعد از آموزش این رشته هنری به معرفی آن در نمایشگاه های منطقه ای و ملی بپردازیم که اولین قدم در زمان برگزاری جشن ملی پسته است به طوری که نمایشگاهی از دست بافته های هنرمندان را در این جشن ملی برپا خواهیم کرد تا بتوانیم این هنر را به مردم معرفی کنیم».

رئیس اتاق کرمان:

استان کرمان دیگر صادرکننده بزرگ خشکبار ندارد



گروه اقتصاد: رئیس اتاق کرمان با اشاره به مشکلات حوزه صادرات گفت: «مسائل مربوط به تعهدات ارزی صادرکنندگان، عدم توان رقابت صادرکنندگان با پتروشیمی ها در خصوص ارزش اختصاص داده شده، عدم هماهنگی های لازم در گمرکات کشور به ویژه مرزها، عدم ثبات قوانین و مقررات و نرخ ارز باعث شده استان کرمان دیگر صادرکننده بزرگ خشکبار نداشته باشد».

سیدمهدی طبیبزاده افزود: «امسال ۶۵۰ هزار تن تولید پسته آمریکاست و با حساب پسته باقیمانده از سال گذشته این کشور، در حال حاضر ۸۰۰ هزار تن پسته بالقوه در بازارهای دنیا دارد که ایران باید بتواند در این شرایط سخت رقابتی، ۲۰۰ هزار تن پسته امسال خود را به فروش برساند».

به گزارش روابط عمومی اتاق بازرگانی کرمان، وی در نشست جمعی از صادرکنندگان و واردکنندگان استان با معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه با موضوع نقش آفرینی بخش خصوصی در دیپلماسی اقتصادی، با تاکید بر لزوم توجه به سایر بازارهای جهان اظهار کرد: «با توجه به پیشنهاد معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه برای ورود به بازار آفریقا، درخواست داریم که امکان حضور در کشورهای مختلف

تکنولوژی های بالا در اکتشاف، استخراج، بهره وری و فرآوری مواد معدنی می تواند به آفریقا کمک کند».

رئیس اتاق کرمان در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به اینکه سهم خاورمیانه در تجارت جهانی ۴.۸ درصد و سهم منطقه روسیه ۲.۶ درصد است، گفت: «سهم کشورهای همسایه ایران در مجموع ۵ درصد از تجارت جهانی است و طی ۷۰ سال گذشته نیز همین گونه بوده و ما نمی توانیم صرفا و فقط با ارتباط با این کشورها به توسعه تجارت دست یابیم و باید به سایر بازارهای دنیا متصل شویم».

وی ادامه داد: «کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی (اگو)، سازمان همکاری های شانگهای و حتی اوراسیا که تفاهم نامه تجاری با ایران دارد، به دلیل منافع خود و عدم تمایل به همگرایی با ایران، چندان نقشی در توسعه تجارت ایران ندارند».

طبیبزاده خاطرنشان کرد: «در بررسی ها مشخص شده که ایران نه به عنوان مبدا و نه به عنوان مقصد در برنامه توسعه تجارت این کشورها نیست و به نوعی، روی بازار ایران حساب نمی کنند».

مدیرکل نوسازی مدارس کرمان خبر داد؛

شناسایی ۴۰ مدرسه کانکسی با بیش از ۱۰ دانش آموز

گروه جامعه: مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان کرمان گفت: «حدود پنج هزار و ۷۰۰ مدرسه در استان کرمان وجود دارد که ۲۰ درصد ساختمان این مدارس تخریبی یا نیازمند مقاوم سازی است». رضا هدایتی افزود: «۴۰ مدرسه کانکسی مستقل با بیش از ۱۰ دانش آموز در کرمان احصا و ۴۲ مدرسه کوچک یک یا دو کلاسه نیز در بخش دولتی شناسایی شده است».

وی ادامه داد: «نوسازی مدارس برای مدارس کانکسی و یک یا ۲ کلاسه استان کرمان در حال ساخت مدارس مقاوم و استاندارد است و امیدواریم عملیات اجرایی احداث این مدارس تا دهه فجر سال جاری به اتمام برسد».

به گزارش ایرنا کرمان، مدیرکل نوسازی مدارس استان کرمان در یک نشست خبری اظهار کرد: «اعتباراتی از

سفر رئیس جمهور به کرمان برای تخریب و بازسازی مدارس غیرمقاوم استان تخصیص یافت که در این راستا، تخریب واحداث حدود ۶۰ کلاس درس آغاز شده و تا پایان سال جاری تحویل آموزش و پرورش خواهند شد».

وی افزود: «هزار و ۵۰۰ کلاس درس در استان کرمان به صورت خاص تا پایان سال باید تحویل آموزش و پرورش شود که ۸۰۰ کلاس آن تا اول مهرماه تحویل خواهد شد». هدایتی با اشاره به مقدار سرانه فیزیکی آموزشی استان کرمان و کشور اظهار کرد: «سرانه فضای فیزیکی آموزش متوسط کشور ۵.۲۳ درصد و این مقدار در کرمان حدود ۵.۲ درصد و سرانه فضای آموزشی در شهر کرمان کمتر از این مقدار است».

مدیرکل نوسازی مدارس استان کرمان به وجود ۶۰۰ هزار دانش آموز در استان

پس از گذشت ۱۷ سال؛ جاده راور دیهوک ۶۸ درصد پیشرفت دارد!

گروه اقتصاد: معاون ساخت توسعه و راه های اداره کل راه و شهرسازی استان کرمان گفت: «تکمیل جاده راهبردی کرمان - راور به سمت دیهوک (خراسان جنوبی) با پیشرفت فیزیکی ۶۸ درصدی به ۱۵ هزار میلیارد ریال اعتبار نیاز دارد».

مسلم موسی زاده افزود: «طول کل جاده راور- دیهوک ۱۸۸ کیلومتر است که عملیات اجرایی ساخت آن در هفت قطعه تعریف شده و در مجموع ۷۲ کیلومتر از آن به بهره برداری رسیده است».

وی ادامه داد: «قطعه های یک، دو، سه و چهار به طول ۵۳ کیلومتر در حال احداث است، قطعه ۶ به طول ۳۳ کیلومتر نیمه تمام خاتمه یافته و هنوز عملیات اجرایی قطعه هفتم به طول ۳۰ کیلومتر آغاز نشده است».

به گفته موسی زاده، عملیات اجرایی این پروژه در سال ۱۳۸۵ آغاز شده و از سال ۱۳۹۰ به ردیف بودجه ملی پیوسته و کل اعتبار هزینه شده تاکنون سه هزار و ۷۰۰ میلیون ریال است که ۲ هزار و ۸۹۰ میلیارد ریال آن تا سال ۱۴۰۰ جذب شده و برای سال ۱۴۰۱ نیز یک هزار و ۴۱۰ میلیارد ریال تخصیص یافت. همچنین اعتبار پیش بینی شده برای سال مالی ۱۴۰۲ این پروژه حدود یک هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال است.

وی خاطرنشان کرد: «در سفر رئیس جمهور به استان کرمان شش هزار میلیارد ریال در طول سه سال برای این جاده پیش بینی شد که سالانه باید در اختیار اداره کل راه و شهرسازی استان کرمان قرار گیرد».

به گزارش ایرنا کرمان، معاون ساخت توسعه و راه های اداره کل راه و شهرسازی استان کرمان حاشیه بازدید از پروژه های در دست احداث استان اظهار کرد: «جاده کرمان راور- دیهوک از مهم ترین راه های مواصلاتی استان کرمان و بخشی از کریدور ترانزیتی شمال شرق به جنوب کشور است که سالانه بخش قابل توجهی از ترانزیت کالا از آن انجام می گیرد، ضمن آن که تردد زائران حرم رضوی از کرمان و استان های جنوبی همجوار نیز از طریق این محور انجام می شود».

وی گفت: «تکمیل این پروژه کاهش تصادفات و سوانح جاده ای، مصرف سوخت، زمان سفر و افزایش درآمد ترانزیت کالا برای کشور در مسیر کشورهای آسیای میانه و افغانستان را در پی خواهد داشت».



نویسنده هستند، اما من انتخابم نویسنده است؛ روزنامه نگاری محض، خبر و به روز بودن که در روزنامه نگاری اصل مهم هستند مورد علاقه من نیستند؛ بیشتر اهل درنگ و تأمل نوشتن هستم، دنبال کشف و شهودم تا خبر رسانی لحظه ای؛ متنی دربار، جنون نوشتم که دربار، روزنامه نگاری بابا بود، این متن را من خیلی دوست دارم، این را مثال می زنم تا بگویم چرا دوست دارم خودم را نویسنده و متعلق به جهان ادبیات بدانم، متن نوشتن برای من مثل تریبی می ماند؛ انگار خودم را می گذارم وسط، می کشم بیرون و می آورم پایین؛ با خودم روراست می شوم؛ یک مواجهه ای با خودم پیدا می کنم؛ یک خودآشنایی غلیظی درباره خودم می کنم که شاید همین جوری با خودم نتوانم بکنم، و حالتی از خودم در ناخودآگاهم بیرون می آورم که با آن مواجه نبودم، این کاری است که ادبیات می کند و به نظر من در روایت این کار را می توانی بکنی؛ در روزنامه نگاری همه چیز در لایه سطحی تری اتفاق می افتد، خیلی گزارشات میدانی خوبی هم داریم اما برای من این در ادبیات عمیق تر اتفاق می افتد.

آدم های خودش را پیدا کرد، و الان جقدر مجله در این زمینه داریم و افرادی مثل «میشل اوپاما ... و ناداستان تازه در جهان جای خودش را پیدا کرده؛ تا قبل از این آدم ها فکر می کردند هر کس رمان بنویسد نویسنده است. در ایران هم همین طور است. مجله همشهری داستان این سبک را بدعت نهاد و نشرهایی مثل «چشمه» الان به نویسنده هایی که ناداستان می نویسند اعتماد می کند و چندین جلد مفصل در قالب ناداستان دارد، اما همچنان کم است، چون آدم ها این قالب را نمی شناسند، بعضی ها به من می گویند چون شما داستان نویس نشدیدن رفتین ناداستان نوشتید؛ این سوال غلطی است، دلیلش عدم شناخت است، ما حتی کلاس های آموزشی کمی هم در این زمینه داریم.

شما جایی اشاره کردید به ادبیات علاقه دارید با این اوصاف دوست دارید چه خطابتان کنند؛ نویسنده یا روزنامه نگار؟

اگر به من بگویند بین روزنامه نگاری و نویسندگی انتخاب کن، با این که این دو خیلی با هم هم پوشانی دارند و روزنامه نگارها هم نوعی

شاهرخ بازخوانی نکردم، من به خاطر دمه هفتاد، سمیه و شاهرخ را بازخوانی کردم.

در حال حاضر به سبک ناداستان خیلی کم پرداخته می شود چرا؟

چون قالب و سبک به نسبت نوپایی است حتی در جهان؛ درست است که ما همینگوی بزرگ را داشتیم که روزنامه نگار بوده و متن های مستندش همین الان هم برای ما کلاس آموزشی است. اما همینگوی هم در آن زمان آگاه نبوده که دارد ناداستان می نویسد، فکر می کرده دارد خبرنگاری می کند؛ اما او با متن های کارخلاقه می کرد، نمی گویم روزنامه نگار این کار را نمی کند، اما دغدغه اش این نیست؛ دغدغه اش دادن اطلاعات است. همینگوی و چند نفر از بزرگان ادبیات داستانی ما که این کار را می کردند، بعد از آن خانم «الکسیویچ» قالب ناداستان را در جهان با کتاب «جنگ چهره زنانه ندارد» جا انداخت و جایزه نوبل را هم گرفت و آدم ها فهمیدند می شود در ژانر ادبی بنویسی ولی تخیلی نباشد و درباره چیزهای واقعی بنویسی، این ماجرا کم کم در جهان

هیچ قضاوت و نتیجه گیری در هیچکدام از فصل هایم نداشتم، هیچ وقت نمی خواستم مخاطبم را به یک برداشت و نتیجه گیری سوق بدهم، به خاطر همین هم زاویه دیدم اول شخص است، من همراه فردوسی و تجربه هایم در هیچکدام از جستارها نبود، من زاویه دید دورتری انتخاب کردم، جوری که انگار دارم از دور این ماجرا را تعریف می کنم؛ برای این که دلم نمی خواست چیزی را القا کنم، یکی از دلایلی که من روایت ها را چند صدایی کردم و با آدم های مختلف صحبت کردم به این خاطر بود، به این تکرار صدا نیاز داشتم.

برنامه تان برای آینده چیست، کتاب نوشتن در حوزه ناداستان را ادامه می دهید؟

حتما، جزو برنامه هایم است و موضوع بعدی هم همین روایت های مستند است ولی شاید لزوما جنایی نباشد، من پرونده سمیه و شاهرخ را انتخاب کردم چون به نظر من حاوی یک سری معناها و تقابل های گفتمانی بود که می توانستم یک دوره را به بهانه آن بازخوانی کنم؛ من دوران دمه هفتاد را به خاطر سمیه و

کتاب من بازخوانی یک پرونده جنایی نیست

الان برای آن ها دلسوزی می کنم، چون فکر می کنم که رسانه های عامه پسند می توانستند این قدر این ها را منزوی نکنند؛ من واقعا نتوانستم هیچکدام را پیدا کنم، انگار آب شدن رفتن زیر زمین؛

می خواستید پیدا کنید؟

آره؛ من اولش نمی دانستم قراره ساختار کتاب به چه سمتی برود، می خواستم با آن ها صحبت کنم و بخشی از روایت کتاب من باشند؛ اما شاهرخ که اصلا ایران نیست این را مطمئنم؛ و سمیه هم هیچ رقم راه نداد؛ بعد هم که با یکی از روانشناسان صحبت کردم گفت خیلی طبیعی است که این آدم نخواهد درباره آن زمان حرف بزند؛ این جا بود که من تصمیم گرفتم که وجه دیگری از ماجرا را یعنی مواجهه ما بعد از جریان خیابان گاندی را نشان دهم که آدم ها یک ذره بفهمند که با این پرونده چه کار کردند. وعامدانه